

اقتباس از « مرحله نو »

تالیف ل . ت .

## نمو اقتصادی امریکا

جنگ دنیا تمام جهاز اقتصادی اروپا را تا رومار کرده و قاره مزبور را اقبور و ناتوان نمود . وای چنانچه به نیم کره دیگر کره ارض توجه کنیم ، منظره دیگری را مشاهده خواهیم کرد . اقتصاد اروپا در جنگ دنیا رو با انحطاط رفت و برعکس امریکا در طی محاربه عالم دیگر نمو کرده و در طی آن ثروت خود را بدرجات فوق التصوری افزود . امریکا مانند تاجری که آذوقه و مهمات جهت آشونی تهیه کرده و منافع هنگفت می برد ، در جنگ شرکت جست . بدین است که دول متحد در جریان جنگ متحمل خساراتی را هم نمودند . وای این خسارات را وقتی با منامی که امریکا از جنگ تحصیل کرده و مخصوصا با امتیازاتی که در نتیجه جنگ بدست آورده است ، مقایسه نمائیم ، خیلی ناچیز و بی اهمیت بنظر می آید . دول متحده ، تهاذروهم محاربه یک بازار نامحدودی ، مانند اروپا درید تصرف خود داشتند و امتعه را بانرخ های دل بخواه به اروپائیان تحویل میکردند ، بلکه بر اثر جنگ برای سالهای متمادی از جنگ رقابتی که در بازار دنیا با آنها مبارزه مینمودند ( یعنی آلمان و انگلستان

که خسارات مهمی از جنگ تحمل کرده بودند ( خلاصی یافتند ) .  
 صادرات اتازونی قبل از جنگ تقریباً عبارت بود از محصولات فلاحتی  
 و مواد اولیه که دو نکت صادرات کل آن مملکت را تشکیل  
 میدادند . در جریان جنگ صادرات اتازونی باطرز دایم التزایر و  
 سرعت فوق العاده افزوده شد . من باب مثال کافی است تذکر دهیم  
 که در ظرف مدت هشت سال از ۱۹۱۵ الی ۲۰ صادرات اتازونی ۱۸  
 میلیارد دلار از وارداتی بیشتر بوده است . در عین حال نوع  
 صادرات هم اساساً تغییر یافت بطوریکه علاوه بر محصولات فلاحتی و  
 مواد اولیه [ مثل پنبه و غیره ] چهل در صد و محصولات  
 ساخته شده شصت در صد صادرات اتازونی را تشکیل میدادند .  
 برای اینکه دل فعلی اتازونی را در اقتصاد عالم معلوم کنیم ارقام  
 ذیل را ذکر میکنیم :  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هشت در صد جمعیت عالم تا قبل از جنگ اتازونی که هفت  
 در صد سطح زمین را اشغال میکند ، ساکن میباشد . بیست و  
 صد محصول طلای سالانه دنیا در این مملکت استخراج میشود .  
 اتازونی از حیث ظرفیت سی در صد جهازات تجارتنی دنیا را در  
 دست دارد . در صورتیکه قبل از جنگ فقط پنج در صد جهازات  
 تجارتنی عالم متعلق به او بود . چهل در صد میزان امته آهنی و

ولادی دنیا ، چهل و نه در صد اشیاء سربی ، چهل در صد نقره  
 پنجاه در صد روی ، چهل و پنج در صد ذوغال سنک ، شصت در  
 صد آلو مینوم و شصت در صد مس و پنجه ، شصت و شش الی  
 هفتاد در صد نفت ، هفتاد و پنج در صد ذرت و ۸۵ در صد  
 اوتوموبیل عالم در اتازونی ساخته شده و بعمل میاید .  
 عملاً در دنیا ده میلیون اوتوموبیل موجود است که هشت میلیون  
 و نیم آن متعلق به اتازونی بوده و باقی اهالی دنیا فقط یک میلیون  
 و چهار صد هزار اوتوموبیل دارند . به این طریق در امریکا بهر  
 دوازده نفر از اهالی یک اوتوموبیل میرسد . از ارقام فوق معلوم  
 میشود که در قسمت فروش ذوغال سنک در بازار دنیا انگلستان  
 استیلا و حاکمیت خود را به اتازونی واگذار نموده است . تفوق  
 اتازونی در قسمت استحصال نفت هم ، آنکه روز بر روز بر اهمیت  
 خود در صنایع و محاربات بی افزاید ، کمتر از ذوغال سنک نیست .  
 این تغییرات بعد از جنگ تنها در عالم صنعت و تجارت تولید  
 نشده بلکه در قسمت مالی ( فینانسی ) هم اتازونی جبهه آمرانه خود  
 را نشان داده است . قبل از جنگ انگلستان ربا خوار و صراف عمده  
 دنیا بود و بعد از او نوبه فرانسه میرسید و آمریکا و تمام دنیا به این  
 دو مملکت مقروض بودند . برخلاف امروز تنها ممالکتی که به بیچکس

مفروض نبوده و تمام عالم به او مقروضند اتازونی است . اروپا  
 ( یعنی دول و بلاد و مؤسسات صنعتی قطعه مزبور ) هیچگونه میادارد  
 دلار طلا به اتازونی مقروضند . این مبلغ قرض اساسی است . هر  
 روزی مبلغ ده میلیون دلار بابت ربح مبلغ فوق و اعتبارات  
 جدیدی که باز میکنند به ارقام مذکور اضافه میشود . به این سبب  
 است که دلار سلطان بازار معاملات قرضی عالم شده است . سابقاً  
 وقتیکه یک دلار به بازار میآمد میگفت : « من تقریباً یک پنجم لیره انگلیسی  
 ارزش دارم » بر عکس لیره انگلیس معرف لازم نداعت . همه او را میشناختند .  
 اویره بود و بهمین جهت وجود داشت . حالا وضعیت یکای دیگرگون شده  
 است . امروز لیره انگلیسی هم مثل تمام واحدهای مسکوک دیگر  
 تذکره عبور لازم دارد و در این تذکره عبور تذکر داده شده  
 است که « لیره » دیگر یک « لیره » نیست بلکه فلان قدر دو دلار  
 ارزش دارد . ( تقریباً یک ربع از ارزش قبل از جنگش ~~کسر~~  
 شده است ) . بسیاری قریب نصف طلای موجودی عالم عملاً در  
 اتازولی تمرکز یافته است .

این است وضعیت امریکای شمالی بعد از جنگ .

چطور این وضعیت تولید شد ؟ . . .

- اتازونی در اروپای مرگرم بچنگ . یک بازار غیر محدودی

پیدا کرده و امتعه خود را بهر قیمتی که میخواست بفروش بفرمایید .  
 در مستعمرات انگلستان ، در آسیا ، در افریقا و در امریکای  
 جنوبی هم دیگر رقیبی برای او باقی نمانده بود . تمام رقبا تقریباً  
 از میان رفته بودند و به این جهت اتا زونی توانست آزادانه و بلا  
 مانع نمو کند . از اینقران ما مشاهده میکنیم که در طی هفت سال  
 ( از ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ ) یک زبرورو و تغییر کاملی در تقسیم کار  
 در عالم بوجود پیوسته . در ظرف چهار سال جنگ قطعه اروپا تبدیل  
 به اجالی شده بود ، مال مختلفه ، نه تنها عواید بلکه سرمایه و  
 ذخایر خود را هم در آن میسوزاندند و در مقابل این اوجاق بود  
 سرمایه دار های آمریکا خود را گرم کرده و به ترقی  
 خارق العاده موفق شدند . قوه استحصالیه و تولید به آمریکا بدرجات  
 مافوق قباس ترقی کرد ولی بازار فروش امتعه دیگر وجود نداشت .  
 زیرا که اروپا فقیر شده و استطاعت نداشت مال الزاجاره های آمریکا  
 را اکتیاع نماید .  
 مثل اینکه اروپا با تمام قوای خود کمک کرده باعد که آمریکا به  
 رفیعترین درجه نردبان اقتصادی واصل شود و انوقت نردبان را از  
 زیر پایش بکشد .